

گفت‌وگو با سردبیر «رویداد کرسی»

هدف «رویداد کرسی» ترسیم الگوی مطلوب هنر انقلاب است

■ سمیه دهقان زاده

سردبیر «رویداد کرسی» می‌گوید: این رویداد در قالب تجربه‌نگاری است و آورده‌های که از آن نصیب مخاطب می‌شود، دستاورد بسیار ارزشمندی محسوب می‌شود، چرا که مطالب مطرح شده از زبان اساتید این رویداد جذاب و کاربردی است و حتی ممکن است در کارگاه‌های این اساتید هم مطرح نشود. ■■■

«کرسی» این واژه مأنوس و خوش رایحه در زبان فارسی، فارغ از انتقال حس خویش در فضاهای مختلف گفتمانی، عنوان رویدادی است که از سال گذشته در حوزه هنری آغاز شد، فصل اول آن در ۱۰ دفتر روایت‌هایی از مسیر رشد و بالندگی الگوی مطلوب کار فرهنگی انقلاب اسلامی با همه فرازاها و نشیب‌هایش از زبان ۱۰ نفر از اساتید عرصه‌های هنری حبیب احمدزاده، علیرضا فزوه، سیدمسعود شجاعی طباطبایی، مرتضی سرهنگی، حجت‌الاسلام محمدضا زائری، محمدرضا شافاه، عبدالحمید قدیریان، بهژاد دانشگر، هدایت‌الله وراضیه تجار روایت شد.

دهمین روایت رویداد، پایان آن نبود و امسال ادامه این راه را در فصل دوم کرسی شاهد بودیم.

رویدادی که این بار میزبان هشت استاد بود و آنها تجربیات خود را از زمینه هنری تخصصی‌شان از موسیقی و سینما گرفته تا شعر و هنرهای تجسمی روایت کردند و از هشتم تا دوازدهم اسفند میزبان علاقه‌مندان بودند.

به طور دقیق تر اگر بخواهیم بگوییم، در فصل دوم رویداد کرسی، مسعود مجابتی در عرصه گرافیک، تاجبخش فناپیان در زمینه تئاتر، مصطفی رحماندوست درباره ادبیات کودک و نوجوان، محمد گلریز در عرصه موسیقی، علی اصغر یوزباشی در زمینه مجسمه‌سازی، احمد ناطقی باب عکاسی، ناصر فیض درباره شعر و مصطفی دالایی در زمینه‌سینمایی مستند از تجربیاتشان و فراز و فرودهایشان گفتند. به انگشتمان یک دست می‌ر رسید امر روزی است. پایان رسیده، چگونه بوده و خرویی هایش چه چیزهایی هستند و قرار است فایده‌اش برای هنرمندان و هنردوستان چه باشد، سؤالاتی



ما در این رویداد سعی کردیم الگوی مطلوب انقلاب اسلامی در عرصه هنر را مطرح کرده و تلاشمان بر این بود که مدل مطلوب کار فرهنگی در فضای انقلاب اسلامی را با صحبت با این اساتید ترسیم کنیم



است که در پی برگزاری چنین رویدادی مطرح می‌شود، از این رو با «سیداحسان حسینی» سردبیر رویداد کرسی گفت‌وگویی کردیم که مشروح آن در ادامه می‌آید.

حسینی درباره حضورش در رویداد کرسی اینطور توضیح می‌دهد: در فصل اول این رویداد که ذیل حوزه هنری دیجیتال برگزار شد، من مدتی مدیر مدرسه ماه بومدم و همراه گروه، روایت‌های اساتید گرمی مرتضی سرهنگی، حجت‌الاسلام محمدرضا زائری، محمدرضا شفاه را برگزار کردم و از همان موقع این دغدغه در ذهنم شکل گرفت و این فرصت برای فصل دوم در ابعادی گسترده برابرم فراهم شد تا بتوانم

در این آن حاضر باشم. وی در ادامه می‌گوید: فصل دوم رویداد کرسی به همت روابط عمومی حوزه هنری رقم خورد و ما در آن چند ایده را دنبال کردیم. نخستین هدف بزرگداشت و جلسه قدردانی از اساتید حوزه‌های مختلف هنری بود که سال‌ها در حوزه هنری کار کردند.

حسینی در توضیح اهداف رویداد کرسی اضافه می‌کند: ما در فضای فرهنگی یا دو گفتمان مواجهیم، یکی گفتمان فرهنگ و هنر انقلاب اسلامی و دیگری گفتمانی است که در فضای متفاوت‌تری به سر می‌برد و در آن علاقه و تعهدی به انقلاب و اسلام دیده نمی‌شود، فضای



این گفتمان برطمطراق است و هنرمندانی فعال در این گفتمان، دیده می‌شوند و شناخته شده هستند.

اما متأسفانه در گفتمان فرهنگ و هنر انقلاب اسلام خلاف این مسیر را شاهد هستیم و آنچنان باید قدر اساتیدمان را نمی‌دانیم و این اساتید به خوبی به اندازه کافی و درست معرفی نمی‌شوند.

مثلاً استادی چون علی اصغر یوزباشی را جزو فعالان حوزه کارپشان خیلی نمی‌شناسند، دقت کنید ما درباره میزان و تأثیرگذاری‌شان صحبت نمی‌کنیم، بلکه بحث درباره این است فردی با این میزان تعهد و اندیشه که اثر هنری



قالب رویداد کرسی، نشست و فضا تعاملی بود و برای هر جلسه افراد و علاقه‌مندان ثبت‌نام کردند و در حین روایت، به گپ و گفت با اساتید پرداخته شد، بخش اول درباره زیست اجتماعی و هنری اساتید صحبت می‌کردیم و در بخش بعدی یک اثر شاخص اساتید را مد نظر قرار داده و صحبت‌هایمان حول محور آن اثر انجام می‌شد. در آنجا اساتید راوی عنوان می‌کردند که یک هنرمند انقلابی چطور باید کار کند و از تجربه‌هایشان برایمان می‌گفتند. به این ترتیب در هر جلسه سه تا چهار ساعته یک تجربه‌نگاری خاص رقم زده شد.

■ **«کرسی» و مطالبی که حتی در کارگاه‌ها هم نمی‌توان شنید**

سیداحسان حسینی درباره خروجی‌های این رویداد می‌گوید: قالب رویداد کرسی، نشست و فضا تعاملی بود و برای هر جلسه افراد و

علاقه‌مندان ثبت‌نام کردند و در حین روایت، به گپ و گفت با اساتید پرداختند. این رویداد، در قالب تجربه نگاری و نقب این اساتید به گذشته بود و آورده‌ای که از آن نصیب مخاطب می‌شود، دستاورد بسیار ارزشمندی محسوب می‌شود، چراکه مطالب مطرح شده از زبان این اساتید به شدت جذاب و کاربردی است، مطالبی که حتی ممکن است در کارگاه‌های این اساتید هم مطرح نشود و این موضوع اهمیت تجربه نگاری را دو چندان می‌کند. در واقع این رویداد به نوعی، جدی گرفتن اساتید در حوزه تجربه است نه صرفاً تکنیک هنری که بر آن مسلطند و ما تلاشمان بر این است گزیده‌ای از این برنامه روی آنتن برود و فارغ از ارائه بخشی از این رویداد در ستر مجازی، قرار است محتوای آن مکتوب شود و بخشی از تجمیع مطالب نیز به زیر چاپ برود.

توضیحات سردبیر رویداد کرسی امیدوارکننده و آگاهی‌بخش است و باید صبر کرد خروجی‌های متفاوت رویداد را دید و در این اثنا شاید انتظار برای فراهم شدن شرایط برای برگزاری فصل سوم رویداد کرسی نیز خالی از لطف نباشد.

سارا عرفانی، نویسنده و مدیر مسئول مرکز «بانوی فرهنگ»:

اینجا محفلی برای دورهمی و هم‌افزایی بانوان اهل قلم است



می‌خواهیم یک تعریفی ارائه بدهیم که بانوی مؤثر در حوزه ادبیات چه کار باید انجام دهد و چه طوری می‌تواند تأثیر گذار باشد. در دو سال گذشته از دو نویسنده با تجربه و پیشکسوت خانم‌ها کلرز ووبرت و نیلوفر مالک تقدیر شد و امسال از خانم گلستان جعفریان تقدیر به عمل آمد

در حوزه هنری بر گزار شد. این گردهمایی که به مناسبت هفتمین سالگرد تأسیس باشگاه ادبی بانوی فرهنگ برگزار شد، برنامه‌های متنوعی داشت. سارا عرفانی درباره این گردهمایی توضیح می‌دهد: «ما از اول بنا گذاشته بودیم که در سالگرد تأسیس باشگاه دور هم جمع شویم و همدیگر را ببینیم و فعالان حوزه کارپشان خیلی نمی‌شناسند، دقت کنید ما در این رویداد سعی کردیم الگوی مطلوب انقلاب اسلامی در عرصه هنر را مطرح کرده و تلاشمان بر این بود که مدل مطلوب کار فرهنگی در فضای انقلاب اسلامی را با صحبت با این اساتید ترسیم کنیم. ■ **تجربه‌نگاری خاص برای هر جلسه روایت**

حسینی درباره گزینش میهمان‌های رویداد هفت سال پیش چند خانم نویسنده دور هم جمع شدند و ماهی یک‌بار دور هم جمع ش‌وند و درباره ادبیات و داستان نویسی گفت‌وگو کنند. هر کدام از آنها به تنهایی کارهایی انجام می‌دادند. برخی کلاس‌ها داستان نویسی و شاگردان داستان‌نویس داشتند. در این دورهمی‌ها گاهی کتاب خوب معرفی می‌کردند و گاهی داستان‌های جدید خوانده و نقد و بررسی می‌شد. اگر داستان خوب بود برای چاپ به ناشر معرفی می‌شد. این جمع که تعدادش به انگشتمان یک دست می‌ر رسید امر روزی است. بانوان نویسنده در حوزه هنری بر گزار شد. به گفته «سارا عرفانی» - مدیر باشگاه ادبی بانوی فرهنگ - هدف ما تربیت نویسنده، تولید اثر و هم‌افزایی بانوان نویسنده است. گفت‌وگو ما را با عرفانی بخوانید. ■■■

■ تولد یک باشگاه ادبی

سارا عرفانی با بیان اینکه در آن مقطع زمانی تصمیم گرفتیم دور هم جمع شویم و از ظرفیت دور هم جمع شدنمان استفاده کنیم، اضافه می‌کند: «اتفاق بزرگی در ذهنمان نبود و نمی‌خواستیم کار بزرگی انجام دهیم. آن زمان در فرهنگسرای انقلاب اسلامی دور هم جمع می‌شدیم. اعتقاد داشتیم همین دور هم جمع شدن‌های ساده خودش خیر و برکت دارد. بعد از چند جلسه نقد کتاب گذاشتیم. به تدریج دوستان دیگری به جمع ما اضافه شدند. برخی نویسنده، ویراستار و برخی علاقه‌مند به داستان بودند. کم‌کم جمع ما گسترش پیدا کرد و دیدیم چقدر چنین کانونی مورد نیاز است. اینکه ممکن است خانم‌ها به خاطر مسائل خانواده، همسر و بچه‌ها کمتر بتوانند در جامعه حضور داشته باشند و در کلاس‌ها شرکت کنند، برای همین سعی کردیم بستر را برای حضورشان فراهم کنیم. حتی گاهی اتاقی به عنوان مهدکودک در کنار برنامه‌ها در نظر می‌گرفتم تا این دغدغه مادران هم رفع شود. با پیوستن و همراه شدن دوستان بیشتر به ما باشگاه ادبی بانوی فرهنگ شکل گرفت. هدف ما در بانوی فرهنگ تربیت نویسنده، تولید اثر و هم‌افزایی بانوان نویسنده است. همین که دور هم جمع می‌شویم به قدرتمندشدن و قوی‌تر شدن ما کمک می‌کند.»

■ عضوگیری

مدیر باشگاه ادبی بانوی فرهنگ درباره نحوه عضوگیری این کانون می‌گوید: «اوایل خیلی پیچیده نبود صرفاً کسانی که دوست داشتند با ما همراه شوند به جلسات ما می‌آمدند و در کلاس‌ها شرکت می‌کردند. مسافتری نداشتیم و کارمان را در صفحات مجازی انجام می‌دادیم. اگر برنامه‌ای بود از طریق

صفحه‌ایمان منتشر می‌کردیم و دوستان دیگر هم می‌آمدند و همدیگر را پیدا می‌کردیم. ما چند سال آهسته و پیوسته کلاس‌ها را برگزار کردیم و دوستانی به ما پیوستند. خیلی از دوستان که شهرستان‌ها بودند به ما می‌گفتند حیف که این جلسات در شهر ما نیست. با همه‌گیری کرونا یک‌سری از کلاس‌ها را به صورت مجازی بر گزار کردیم و طبیعتاً دوستانی که امکان شرکت در جلسات حضوری را نداشتند شرایط برایشان فراهم شد که در کلاس‌های مجازی شرکت کنند. این کلاس‌ها دو سال به صورت مجازی بر گزار شد. بعد از پایان دوران کرونا همه کلاس‌های ما به صورت حضوری و مجازی به صورت برخط و برون خط برگزار می‌شود. تیمی از اعضای بانوی فرهنگ از غیر تهران هستند که از این کلاس‌ها استفاده می‌کنند. این کلاس‌ها هیچ وقت در شهر خودشان برگزار نمی‌شود، ولی الان امکان حضور وجود دارد و حدود ۲۰۰ عضو فعال داریم.»

■ خروجی

به گفته خانم عرفانی خروجی این جلسات ابعاداً تأیید کتاب باشد. امسال رونمایی از پنج کتاب داریم که از مدرسان و هنر جوهاست. چندین کتاب دیگر هم نوشته شده، اما به مراسم امسال نرسید. البته به رسم سال‌های قبل در مناسبات دیگر رونمایی می‌شود. ممکن است خروجی کتاب نباشد مثلاً ما داستان‌های کوتاه کوتاه داریم. دوستان به مناسبات مختلف داستانک می‌نویسند که قابلیت این را دارند تبدیل به فیلم شوند. ما از آنها کمال تشکر را می‌کنیم.»

■ بانوی مؤثر

سیزدهم و چهاردهم اسفندماه گردهمایی بانوان نویسنده

حوایی از محمله

نگاهی به کتاب «اشک حوا»

■ سیدعلی مددزیدی

اگر از شیراز پی سرازیری را بگیري و چند صفحه کوه و دشت را ورق بزني، نرسیده به آنجا که فراس به انتهای خودش می‌رسد و رطوبت منام را از آن خود می‌کند، نام محمله را روی نقشه می‌یابی. نشینده و بنیدیه‌ای که حتی برای ساکنان فراس هم نشینده و ندیده است. خاکی که مردمانش قبل از هر جنگی مقاومت را فهمیدند. هنگامی که طبیعت مقدم بر هر دویایی دست به گریبانشان برده بود و در تابستان با خشکی، آفتاب و ملخ به



سراغشان می‌آمد و در زمستان با سرما و سرمایابوند االی محمله بودند که جز صبر و قناعت و تلاش سلاح دیگری برای مقاومت نداشتند. «اشک حوا» قصه‌گویی است که از پی آدم‌های و قصه‌هایی که دارند، مصور شده همین محمله را روی خطوط کاغذ ترسیم می‌کند. محمله‌ای که مردمانش گاهی هزارهاز کیلومتر ترک وطن ترجیح‌شان بود تا جراح خانه‌های این قطعه از زمین خاموش نشود. «اشک حوا» راوی حوایی از این زمین است. حوایی که تلخ و شیرین روزگار مدام کاشش را رنگ‌بندگی می‌کردند و پیچیدگی سرد و گرم چشیده‌اش. حوایی که نهال محمله ببیند و گرفتار عشقی بشود جان برکن. «اشک حوا» مجموعه روایات بانو سیده کلثوم موسوی، همسر شهیدحسین شلاححسینی است که به‌قلم سیده‌معصومه حسینی و دل‌چاپخانه انتشارات مهر به چاپ رسیده‌است. مجموعه خاطرات بانو موسوی و مصاحبه‌های اخذشده از سوی نویسنده در قالب یک داستان بلند با ۹ فصل درآمده است. کل قصه از دوربین اول کتاب و از زبان خود همسر شهید و به شکل خطی روایت می‌شود. ثلث ابتدایی کتاب به کودکی و نوجوانی و جوانی راوی اختصاص دارد و در این قسمت خاطرات مربوط به دوران پیش از ازدواج، خطوط را بر کرده‌اند. قسمت میانی کتاب هم به زندگی مشترک و قسمت پایانی نیز به حال و هوای جنگ و دوران پس از شهادت شهید شاه‌حسینی می‌پردازد. قلم نویسنده روان است و در نرمی مطلق پیش می‌رود و مادر «اشک حوا» از لحاظ فرمی با یک داستان شسته رفته ظریف که بدون پیچیدگی کارش را انجام می‌دهد در نه‌نهایت حرفش را می‌زند و می‌رود، اما با وجود این نکته مثبت، نقطه قوت اساسی «اشک حوا» که سوزه است، کتاب از دل برآمده‌ای است که لاجرم بر دل می‌نشیند. راوی در نه‌نهایت صافی و سادگی تمام آنچه در بایگنای ذهن داشته و واقعاً در گذر ایام با جان و دل چشیده را در بساط نویسنده گذاشته و بعد از توروک کتاب اینگونه به نظر می‌رسد که نویسنده هم تلاش کرده تا آنجا که راه دارد، محتوا را بدون بالایش اضافی و فیلترهای غریب تحویل مخاطب بدهد. غیر از این نکته، همانطور که در مقدمه هم عرض شد، «اشک حوا» در پس پرده داستان گیرایی، به‌خوبی توانسته فرهنگ روستایی آن ناحیه را برای مخاطبش ترسیم کند و با این حساب، کتاب توانسته با یک تیر سه هدف را مورد اصابت قرار بدهد هم قصه بگوید هم آدم‌هایش را معرفی کند و هم فرهنگ روستایی خطی فراس را به تصویر بکشد.